

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

راه حل مرحوم اصفهاني

مرحوم محقق اصفهاني قدس سره بعد از دو اشکالي که به کلام مرحوم آخوند وارد کردند – و ملاحظه فرمودید که هر دو اشکال قابل جواب است –، راه حلي را ذکر نموده و مي فرمايند: بايد بين ورود مخصص قبل از وقت حاجت و ورود مخصص بعد از وقت حاجت فرق گذاريم؛ در موردی که عامي صادر و مخصص، قبل از وقت حاجت به عام (قبل از عمل به عام) صادر مي شود، مي توان گفت که کلام متکلم از اول ظهور در عموم نداشته و انشاء در اینجا به داعي بعث حقيقي و جدي است؛ اما نسبت به موضوع خودش. در این مورد، فقط کلام اول موضوع را معین نمی کند، بلکه مجموع دو کلام (يعني عام و مخصص با هم) موضوع را معین می کنند.

(هرچند این تشبیهی که ذکر می کنم در کلام ایشان ایشان نیست؛ اما می توان گفت:) گویا ایشان می خواهند بفرمایند: مخصص منفصلي که قبل از وقت عمل به عام وارد می شود مانند مخصص متصل است و همان گونه که در مخصص متصل، اصلاً ظهوري منعقد نمی شود مگر در مورد غیر مخصص؛ يعني عام از اول ظهور و بعث جدي نسبت به همه افراد ندارد، بلکه ظهورش در غیر مورد تخصیص است، در اینجا هم که مخصص منفصل است و قبل از وقت عمل به عام وارد می شود نیز همین طور است و موضوع را مجموع کلامین – عام و مخصص – معین می کند. در نتیجه، در اینجا از اول، ظهور در همان غیر مورد خاص بوده است و دیگر نمی توانیم بگوییم که عام ظهور در عموم داشته و اکنون مجاز شده است.

اما اگر مخصص بعد وقت العمل بالعام وارد شود، می گوییم: عام از اول در جمیع افراد ظهور دارد و بعثش هم نسبت به جمیع افراد، بعث حقيقي و جدی است، لکن نسبت به افرادی که الان خارج نشدند و داخل هستند، روي مصالح اولیه است و نسبت به افرادی که خارج شدند، روي مصالح ثانويه. به عنوان مثال، متکلم می گوید «أكرم جميع العلماء من يوم الجمعة»، اما روز شنبه که بعد از وقت عمل به عام است، می گوید «لا تكرم الفساق منهم»؛ مرحوم اصفهاني می فرمایند در اینجا، بعث حقيقي نسبت به علمای غیر فاسق بر اساس مصالح اولیه است؛ نسبت به علمای فاسق نیز بعث جدي وجود دارد، اما طبق مصالح ثانويه است.

این خلاصه نظریه مرحوم محقق اصفهاني است که می فرمایند باید بین موردی که مخصص قبل از وقت عمل به عام وارد می شود و موردی که مخصص بعد از وقت عمل به عام است، فرق گذاشت. مرحوم اصفهاني نیز مانند مرحوم نائینی اصلاً مسأله قانونیت و این که عام علي ضرب القاعدة وارد شده است را قبول ندارند و با نظریه مرحوم آخوند مخالف هستند. اما آیا نظریه

اشکال نظریه مرحوم اصفهانی

قسمت اول فرمایش ایشان، صرف یک ادعاست و ایشان هیچ دلیلی بر آن اقامه نکرده‌اند. می‌فرمایند: وقتی مخصص قبل از وقت حاجت وارد شد، عام و کلام اول ظهور در عموم ندارد و مجموع کلامین ظهور را تشکیل می‌دهد. لازمه فرمایش ایشان آن است که مخصص منفصل قبل الحاجة مثل مخصص متصل باشد؛ در حالی که کسی چنین حرفی را قائل نیست و همه قائلند که مخصص منفصل سبب می‌شود کلام اول در ظهوری انعقاد پیدا کند. حال، قسمت اول فرمایش ایشان چندان مهم نیست.

اما قسمت دوم که ایشان می‌فرمایند: وقتی متکلم گفت «أکرم العلماء» و مخصص بعد از وقت حاجت وارد شد، این جمله نسبت به جمیع الافراد یک بحث جدی و واقعی دارد؛ لکن نسبت به علمای غیر فاسق بر اساس مصالح اولیه و نسبت به علمای فاسق بر اساس مصالح ثانویه است.

اشکال این بیان آن است که اگر بر اساس مصالح ثانویه، مولا بحث جدی نسبت به علمای فاسق دارد، دیگر عنوان تخصیص ندارد. یعنی: می‌گوید «أکرم العلماء» و زمان اکرام نیز از روز جمعه است؛ روز شنبه که می‌گوید «لا تکرّم الفساق»، باید عنوان نسخ را پیدا کند و دیگر عنوان مخصص ندارد. بنابراین، تفصیل بین این که مخصص قبل از وقت حاجت وارد شود یا بعد از وقت حاجت، تفصیل درستی نیست.

راه حل مرحوم نائینی

مرحوم نائینی برای حل اصل اشکال می‌فرمایند: باید مسأله را برگردانیم به همان بحثی که در گذشته داشتیم؛ آن بحث عبارت است از این که آیا ادات عموم دلالت بر عموم مدخول دارد یا عموم ما یراد من المدخول؛ قبلاً این بحث را مطرح کردیم و به تبع مرحوم آخوند و نائینی و بر خلاف مرحوم امام و آقای خوئی به این نتیجه رسیدیم که ادات دلالت بر عموم مدخول ندارد و بلکه بر عموم ما یراد من المدخول دلالت دارد. و نتیجه گرفتیم هر عامی در دلالتش بر عموم، محتاج به اجرای مقدمات حکمت است. اگر این مبنا شد، هنگامی که متکلم می‌گوید «أکرم کل عالم» و بعد با یک مخصص منفصلی می‌گوید «لا تکرّم الفساق منهم»، این «لا تکرّم الفساق» قرینه می‌شود بر این که مقصود از کلمه «عالم» که مدخول «کل» است، هر عالمی نیست و بلکه مقصود، عالم غیر فاسق است. در این صورت، «کل» در «أکرم کل عالم»، از اول بر عموم ما یراد من المدخول دلالت می‌کند. یعنی: عام از اول در عالم عادل ظهور داشته است؛ منتهی نمی‌دانستیم از اول مراد جدی مولا همین عالم عادل بوده که بعداً آن را با «لا تکرّم الفساق منهم» برای ما بیان فرموده است.

اما اگر کسی مبنای امام و مرحوم آقای خوئی را داشته باشد، این اشکال پیش می‌آید که در «أکرم کل عالم»، «کل» می‌گوید هرعالمی، و بر استغراق هر عالمی دلالت دارد؛ بعداً اگر تخصیص خورد، این تخصیص، موجب مجازیت می‌شود. ما اصل این مبنا را قبول داریم اما (اگر در ذهن شریفان باشد) با مرحوم نائینی مخالفت کردیم؛ ایشان مراد استعمالی و مراد جدی را یکی می‌دانند؛ اما ما اصل تفکیک بین اراده استعمالی و اراده جدی را پذیرفتیم. با قطع نظر از این اشکال، اصل مطلب به نظر ما بهترین بیان برای حل مشکل است؛ یعنی اگر بخواهیم بگوییم عام در ما بقی حجیت دارد، بهترین بیان همین است. بر این اساس، دیگر نباید تعبیر به ما بقی کنیم و باید بگوئیم که از اول مدخول عام مراد بوده است.

بر این نکته نائینی نتیجه خوبی نیز مترتب است و آن این که طبق بیان مرحوم آخوند و کثیری از اصولیین، – کسانی که

می‌خواهند بگویند عام در ما بقی حجیت دارد – باید ملتزم شوند به این که دلالت تضمینی گرچه در وجود تابع دلالت مطابقی است، اما در حجیت، تابع دلالت مطابقی نیست. به عبارت دیگر، دلالت مطابقی عام عموم است و مابقی می‌شود دلالت و مضمون تضمینی‌اش. در این که دلالت تضمینی در وجود تابع دلالت مطابقی است، بحثی نیست؛ چرا که اگر دلالت مطابقی از اول موجود نباشد، دلالت تضمینی هم نداریم. اختلاف این است که آیا در حجیت هم تابع است یا نه؟ کثیری از اصولیین می‌گویند: در حجیت نیز دلالت تضمینی تابع دلالت مطابقی است؛ یعنی اگر حجیت دلالت مطابقی از بین رفت، دلالت تضمینی هم از بین می‌رود.

مرحوم آخوند نیز همین نظر را دارد. حال، این اشکال پیش می‌آید که شما که می‌گویید استعمالش در مابقی حجیت دارد، مابقی می‌شود مدلول تضمینی و بنابراین، باید بگویید مدلول تضمینی در حالی که مدلول مطابقی حجیت ندارد، حجیت دارد. این اشکال طبق بیان مرحوم نائینی اصلاً پیش نمی‌آید؛ برای این که این طور نیست که مابقی مدلول تضمینی می‌شود. اگر گفتیم ادات عموم تدلّ علی عموم ما یراد من المدخول، از اول دلالت مطابقی‌اش مابقی خواهد بود. به نظر می‌رسد این جواب، جواب خیلی خوبی است. مرحوم آخوند دو راه دیگر در «کفایه» بیان فرموده‌اند که آنها را قاعداً در کفایه خوانده‌اید و نیاز به تکرار نیست. البته یکی از آنها جوابی است که مرحوم شیخ انصاری اعلی‌الله مقامه الشریف داده است که مرحوم آخوند یک برداشت و مرحوم نائینی برداشت دیگری از بیان شیخ دارند که این نکته را مراجعه و مطالعه فرمایید.

فصل حجیت عام در مابقی اینجا تمام می‌شود؛ و بحث مهم دیگر، بحث اجمال است که اگر خاص اجمال داشته باشد، مسأله به چه صورتی است. اقسامی وجود دارد که انشاءالله بیان خواهیم کرد. درس را همین جا تعطیل می‌کنیم و فردا انشاءالله از طرف آقایان نایب الزیاره هستیم؛ هرچند در بحث فقه نیز عرض کردیم که سعی شد امسال حتی الامکان درس را تعطیل نکنیم و ادامه دهیم؛ اما بالاخره به جهتی از جهات موفق نشدیم. آنجا هم انشاءالله دعاگو هستیم و آقایان نیز حتماً از وقتشان استفاده کنند.